

نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی

(مطالعه موردی: ناحیه صنعتی کوهپایه در شهرستان اصفهان)

حسن افراخته *، محمدقاسمی سیانی **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۲/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۳/۰۳/۱۲

چکیده

در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی تأسیس نواحی صنعتی در روستاها به عنوان سیاستی برای تنوع بخشی فعالیت‌های روستایی مد نظر قرار گرفته است. ساختار اجتماعی- اقتصادی نواحی روستایی با تأسیس مناطق صنعتی مذکور تحولاتی را پذیرفته است. مقاله حاضر پیامدهای تأسیس نواحی صنعتی در مناطق روستایی را با تأکید بر ناحیه صنعتی کوهپایه بررسی کرده است. ناحیه صنعتی کوهپایه در دهستان جبل مرکب از ۱۳ روستا قرار دارد. این دهستان با روند مهاجرت جمعیت روبرو بوده است. اهداف اصلی تحقیق، تحلیل نقش ناحیه صنعتی کوهپایه در ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد، کاهش روند مهاجرت روستایی و نهایتاً توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه روستایی بوده است. از این رو، پرسش‌های اساسی تحقیق به شرح زیر مطرح شده است: آیا ایجاد منطقه صنعتی کوهپایه فرصت‌های شغلی و درآمدی ایجاد کرده است؟ آیا ایجاد منطقه صنعتی کوهپایه روند مهاجرت روستا- شهری را کاهش داده است؟ و آیا تأسیس منطقه صنعتی کوهپایه به توسعه اجتماعی و اقتصادی ناحیه منجر شده است؟ داده‌های مورد نیاز از طریق مطالعه محلی و برخی اسناد جمع‌آوری شده است. ۲۰۵ پرسشنامه توسط جامعه نمونه تحقیق که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، تکمیل گردیده و داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آمار استنباطی در سیستم SPSS تجزیه و تحلیل شده است. نتیجه نشان می‌دهد که ایجاد این ناحیه صنعتی پیوند بین بخش کشاورزی و صنعت را تقویت نکرده و در نتیجه به توسعه کشاورزی و دامداری منجر نشده است. اثرات اقتصادی احداث ناحیه صنعتی، بیشتر از اثرات اجتماعی و فرهنگی آن بوده است. استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، تغییر الگوی مصرف مواد غذایی، گسترش ابعاد مشارکت، افزایش فرصت‌های شغلی و درآمد بهتر، بهبود خدمات بهداشتی و دسترسی بهتر به امکانات آموزشی مهم‌ترین پیامدهای ناحیه صنعتی در نواحی روستایی بوده است. در اثر احداث ناحیه صنعتی برون‌کوچی کاهش یافته، ماندگاری جمعیت روستایی بیشتر شده است؛ فرصت‌های شغلی و درآمد ساکنان روستایی افزایش یافته و ناحیه در حال حرکت به سوی توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مناطق صنعتی، اشتغال روستایی، توسعه اقتصادی- اجتماعی، دهستان جبل.

* استاد گروه جغرافیای دانشگاه خوارزمی.

** عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه

خوارزمی. ghasemi_siani@yahoo.com

مقدمه

در گذشته مناطق روستایی بیشتر وظیفه تولید مواد خام، مواد غذایی، انرژی و نیروی کار نسبتاً ارزان برای صنایع شهری را عهده‌دار بودند. اما پیشرفت‌های تکنولوژیکی در صنایع و نیاز به تولید بیشتر و استخدام کارگران کمتر و تغییرات در سازه‌های صنعتی جهانی بسیاری از مزیت‌های روستایی گذشته را کاهش داد و یا حذف کرد، در نتیجه برخی جوامع روستایی در سرایشی سقوط افتادند. از این رو از بیش از سه دهه گذشته شاهد تحول در کارکرد روستایی بوده‌ایم و کشش مناطق روستایی به‌سوی صنعت بیشتر شده است (SCOTT and JOHNSON، ۲۰۰۶: ۲۱)

برای پویایی اقتصاد روستایی، متنوع‌سازی فعالیت‌ها، باید در برنامه‌ریزی‌های فضایی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. زیرا کشاورزی، که فعالیت غالب در بسیاری از روستاهاست، به تنهایی قادر به تأمین اشتغال و درآمد کافی برای جامعه روستایی نبوده و ادامه آن وضعیتی را که در حال حاضر به‌لحاظ مهاجرتی در نواحی روستایی دیده می‌شود، با شدت بیشتری گریبانگیر مسئولان و برنامه‌ریزان کرده و این نواحی از سرزمین را با رکود شدید مواجه می‌سازد (مطیعی لنگرودی و کانی، ۱۳۹۰: ۱). برای توسعه روستایی هیچ روش جهانی پذیرفته شده‌ای وجود ندارد و انتخاب یک روش توسعه، تحت تأثیر زمان، فضا و فرهنگ قرار دارد. توسعه مناطق روستایی به بهبود کیفیت زندگی مردم روستایی اطلاق می‌شود. در این معنا، یک مفهوم جامع و چند بعدی شامل فعالیت‌های کشاورزی، کلیه صنایع و صنایع دستی، زیر ساخت‌های اجتماعی، خدمات اجتماعی و امکانات دیگر و از جمله توسعه انسانی در مناطق روستایی است. به‌طور کلی توسعه روستایی نتیجه فعل و انفعالات بین فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی و

عوامل مختلف جسمی، فن آوری به‌عنوان یک استراتژی در جهت بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم فقیر روستایی است (Katar Singh، ۱۹۹۹: ۳۵).

اکثر مطالعات و برنامه‌ریزی‌های توسعه در دهه ۷۰ بیشترین توجه به روستا و ایجاد پیوند نزدیکتر میان کشاورزی و بافت فضایی آن متمرکز بود. به‌طوری‌که مناطق روستایی هیچ‌گاه به‌طور اساسی از دیدگاه ساختار صنعتی مورد توجه قرار نگرفت و کشاورزی معمولاً کانون اصلی مطالعات جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان روستایی در این دهه محسوب می‌گردید. در اواخر دهه ۷۰ تولید صنعتی و چگونگی نفوذ آن به نواحی روستایی مورد توجه قرار گرفت. بدین ترتیب دهه ۸۰ آغاز مرحله جدیدی از استراتژی توسعه از طریق صنعتی شدن و استقرار صنعت برای توسعه مناطق روستایی بود. (طاهر خانی، ۱۳۷۸: ۴). صنعتی‌سازی روستاها، فشار اقتصادی حاکم بر این محدوده از فضای زیستی را کاهش داده، امکانی برای ارتقای سطح کیفی زندگی ایجاد می‌کند. توجه به یک بخش اقتصاد کارآیی لازم را به‌لحاظ اشتغال و درآمد برای نیروی کار منطقه ایجاد نمی‌کند و در نتیجه مشکلات و تأمین معاش که در پی بی‌کاری و کم‌کاری حاصل می‌شود، امکانی جز مهاجرت برای نیروی فعال باقی نمی‌گذارد، رانده شدن نیروی فعال و کارآمد از هر فضای تولیدی نیز رکود اقتصادی، ضعف سرمایه‌گذاری و تشدید مهاجرت نیروهای مولد را در پی خواهد داشت، برای برون رفت از این وضعیت نامطلوب، برنامه‌ریزی در جهت متنوع‌سازی اقتصاد روستایی به‌ویژه صنعتی‌سازی روستاها، برای رهایی این مناطق از تنگناهای موجود در اولویت است (مطیعی لنگرودی و کانی، ۱۳۹۰: ۱).

در کشور ما نیز استراتژی غالب دهه اخیر، تمرکز برنامه‌های توسعه روستایی بر محور صنعتی کردن مناطق روستایی در قالب ایجاد نواحی صنعتی بوده است. فرض

ایجاد فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های درآمدزا به‌عنوان راهکاری به‌منظور کاهش نابرابری در مناطق روستایی مورد توجه سیاست‌گذاران توسعه قرار گرفته است (رحیمی، ۱۳۸۴: ۴۲).

بررسی‌های متعددی برای اثبات اهمیت و نقش توسعه صنعتی و استقرار صنایع در روستاها انجام شده است. اما بررسی‌های موردی و مطالعات میدانی برای این موضوع بعد از اجرای طرح هنوز ضرورت دارد. در این بررسی‌ها دانستن این نکته که استقرار صنایع و نواحی صنعتی چه تأثیراتی را بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و کالبدی گذاشته و به‌عبارتی در جریان توسعه روستا، راهبرد صنعتی کردن چه نقش و جایگاهی داشته، به‌عنوان اصلی‌ترین مسئله به‌شمار می‌رود. پاسخ به این سوال و سوالات بی‌شماری که مطرح است نیازمند بررسی موردی و میدانی است. در این مقاله مسئله فوق در دهستان جبل از توابع بخش کوهپایه شهرستان اصفهان بررسی خواهد شد. دهستان جبل یکی از دهستان‌های مهاجر فرست استان بوده که طی سال‌های اخیر ناحیه صنعتی کوهپایه به‌منظور جلوگیری از مهاجرت‌های روستا-شهری و ایجاد اشتغال و درآمد برای دهستان تأسیس شده است. دهستان جبل در سال ۱۳۵۵ دارای ۷۳۵ خانوار و ۳۰۸۷ نفر جمعیت بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۴۴۰ خانوار و ۱۶۹۳ نفر جمعیت رسیده یعنی در فاصله ۳۰ ساله ۵۵ تا ۸۵ جمعیت به نصف رسیده است. یعنی تعداد زیادی از روستاها از جمعیت خالی شده است. دهستان مذکور در سال ۱۳۵۵ دارای ۲۵ نقطه روستایی بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۱۷ نقطه روستایی و در سال ۱۳۸۵ به تعداد ۱۳ نقطه روستایی کاهش پیدا کرده که طی این سال‌ها تعداد ۱۲ روستا به‌طور کامل تخلیه شده که به‌همین علت کاهش چشم‌گیری در دامپروری و کشاورزی دهستان به‌وقوع پیوسته است. لذا به‌منظور جذب جمعیت و ایجاد

بر این بوده که ایجاد این نواحی در مناطق روستایی بتواند به‌عنوان یک جریان تولیدی به‌صورت وسیع و همه‌جانبه و به‌عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش باشد. انتظار می‌رود با ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی مشکلات تأمین اشتغال و درآمد برای روستائیان کاهش یابد. «در حال حاضر که تأمین اشتغال در نواحی روستایی از طریق بخش کشاورزی به‌دلیل کمبود عوامل تولید آب و خاک با مشکل رو به رو است و این کمبود عامل مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی گردیده توجه به توان صنایع روستایی، برای کارآیی محیط روستا بسیار مؤثر است زیرا توسعه روستایی صرفاً توسعه کشاورزی نیست و توسعه کشاورزی یکی از زیر سیستم‌های توسعه روستایی محسوب می‌شود» (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۳: ۲۹۰).

صنایع روستایی به‌دلیل ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و کاهش فقر در جامعه روستایی به‌ویژه در جوامعی که اقتصاد کشاورزی حکم‌فرماست از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مسائل و مشکلات زیستی، اختلاف درآمد و سطح زندگی بین جوامع شهری و روستایی که از عوامل مهم مهاجرت‌های روستایی - شهری است، بسیاری از برنامه‌ریزان را به اتخاذ استراتژی‌های جدید توسعه روستایی به‌ویژه صنعتی کردن روستاها واداشت. بنابراین باید به متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و کارا نمودن آن از طریق ایجاد انواع فعالیت‌های اقتصادی به‌خصوص صنعتی کردن روستاها توجه نمود (همان: ۱۵۲). نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به‌عنوان یک روش جایگزین در جهت ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم‌اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری برای مناطق محروم روستایی محسوب می‌گردد (طاهر خانی، ۱۳۸۰: ۳۴). به‌همین دلیل صنعتی‌سازی مناطق روستایی با توانایی

اشتغال و جلوگیری از مهاجرت‌های وسیع به‌خصوص مهاجرت جوانان و خالی شدن روستاهای باقی مانده که به تبع آن مشکلات زیست محیطی و... نیز در برخواهد داشت در محدوده مورد بررسی اقدامات وسیعی، از جمله ایجاد یک ناحیه صنعتی در دهستان، برای صنعتی کردن و مکان‌گزینی صنایع صورت گرفته است. با گسترش فعالیت‌های صنعتی دگرگونی‌هایی در ابعاد مختلف در دهستان به‌وقوع پیوسته است. متعاقب شکل‌گیری و گسترش ناحیه صنعتی کوهپایه که دارای واحدهای صنعتی متعددی است تحولاتی با مقیاس‌های متفاوت و در نقاط روستایی مختلف رخ داده است. این در حالی است که ساختارهای گذشته بر پایه کشاورزی و دامداری شکل گرفته و توسعه یافته است.

در این مقاله جهت بررسی نقش و جایگاه نواحی صنعتی در توسعه روستایی با تأکید بر ناحیه صنعتی کوهپایه واقع در دهستان جبل از توابع شهرستان اصفهان، به‌دنبال پاسخ به این سوال بوده‌ایم که آیا احداث ناحیه صنعتی کوهپایه و ایجاد فرصت‌های شغلی آن در کاهش مهاجرت روستا-شهری، افزایش اشتغال و درآمد و توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه روستایی مورد مطالعه مؤثر بوده است؟ برای پاسخ به سوال مذکور فرضیه زیر بیان شده است:

به‌نظر می‌رسد صنعتی شدن دهستان باعث تحولات ساختاری در بعد اشتغال، درآمد و مهاجرت شده اما در کاهش فعالیت‌های زراعی و دامی مؤثر بوده است.

۱- مبانی نظری

توسعه و توسعه روستایی

توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به‌همراه دارد. پروکفیلد در تعریف توسعه می‌گوید: "فرآیند عامی که در این زمینه وجود دارد

اینست که توسعه را برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر تقلیل فقر و بیکار و کاهش نابرابری تعریف کنیم" (ازکیا، ۱۳۷۴: ۱۸). "توسعه جان بخشیدن به پیکر اقتصادی، اجتماعی- سیاسی و فرهنگی در سطح ملی و تغذیه مستمر آن است" (خادم آدم، ۱۳۷۲: ۸۸). هدف کلی توسعه، رشد و تعالی همه جانبه جوامع انسانی است از این رو در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آن‌ها در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۵۰). توسعه به مفهوم کوشش آگاهانه، نهادی شده و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی ابعاد متنوع حیات، به گونه‌ای که امروز به آن نگریسته می‌شود از دستاوردهای منحصر به فرد قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ در شوری آغاز شد. (رضوانی، ۱۳۸۳: ۳۱).

توسعه روستایی که یک فرع بر توسعه است نیز از سوی صاحب‌نظران دارای معانی مختلفی بوده است. تعاریف مختلفی درباره توسعه روستایی با توجه به دیدگاه‌های متنوع وجود دارد که به چند نمونه اشاره می‌شود:

بانک جهانی، توسعه روستایی را یک استراتژی می‌داند که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستائیان فقیرند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به‌دنبال امرار معاش هستند (صیدایی و حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۹). رسالت برنامه توسعه روستایی، ارتقای توانایی جوامع روستایی برای نیل به توسعه، رشد و بهبود کیفیت زندگی آنهاست که این امر با تخصیص هدفمند منابع مالی و فنی به مناطقی که بیشترین نیاز را دارند و نیز از طریق انجام اقداماتی که بالاترین زمینه و پتانسیل را دارد صورت می‌گیرد (طالب و دیگران، ۱۳۸۸: ۱).

متناسب با مناطق روستایی در قالب صنایع تبدیلی مواد اولیه کشاورزی صنایع کوچک و صنایع دستی تعریف می‌شوند که مکان استقرار آن‌ها در مناطق روستایی است. (مهرگان، ۱۳۷۰: ۵).

بخش صنایع کوچک روستایی دارای پتانسیل قابل توجهی برای رشد است اما این صنایع از مشکلاتی همانند تأمین منابع مالی، تکنولوژی، نیروی انسانی متخصص و بازاریابی رنج می‌برند. به‌منظور تسهیل در این بخش و رفع موانعی که مانع رشد سالم آن می‌شود، نیاز به ارائه مشوق‌های لازم و کارآفرینان کوچک که دارای منابع و مهارت لازم هستند وجود دارد (Gautam، ۱۹۹۵: ۷۸).

برخی از ویژگی‌های صنایع کوچک در مناطق روستایی عبارتند از اینکه این صنایع معمولاً در خانواده‌های سنتی روستایی قرار دارد و صناعی هستند که از ادغام کار روستایی تشکیل می‌شوند. کارکنان این صنایع عمدتاً از اعضای خانواده هستند و منابع آن در محل قابل دستیابی است. این صنایع در خانه روستایی اجرا می‌شوند و از ماشین‌آلات کمتر بهره می‌برند و سرمایه محدودی نیاز دارند، همچنین نوآوری در محصول به‌ندرت اتفاق می‌افتد (UNIDO، ۲۰۰۴).

به صنعتی کردن روستا از دو دیدگاه می‌توان نگرینست:

۱- ایجاد و استقرار صنعت در مناطق روستایی

۲- صنعتی کردن روستا

ایجاد و استقرار صنعت در روستا: این دیدگاه به یک روش برنامه‌ای منجر می‌شود و بر این امر تأکید می‌کند که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار چه صناعی می‌توانند در مناطق روستایی استقرار یافته یا توزیع شوند. هر صنعتی که بتواند در مناطق روستایی استقرار یابد صرف‌نظر از چگونگی تأثیر بر روستائیان جزئی از برنامه استقرار صنعت در مناطق روستایی است.

توسعه روستایی مفهوم گسترده‌ای است که در برگیرنده همه نکات مهم برای حیات مردم روستایی است. این نکات شامل آموزش، بهداشت، مسکن، خدمات عمومی و تسهیلات، ظرفیت برای رهبری و حکومت و میراث فرهنگی به‌همراه نکات اقتصادی و بخشی است (OECD، ۱۹۹۶: ۲۳) و یا "توسعه روستایی فرایندی ثابت و پایدار در تغییرات اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی است که برای افزایش رفاه بلند مدت جامعه روستایی، طراحی شده است (moseley، ۱۹۹۶: ۲۰).

صنعتی‌سازی و صنایع روستایی

گسترش فقر در کنار تخریب رو به تزاید منابع، از چالش‌های اقتصادی، فرهنگی معاصر بسیاری از کشورهای در حال توسعه است این معضلات در حیطه مناطق روستایی از عمق و پیچیدگی بیشتری برخوردار است. در این راستا سیاست‌های مستقیم و همه‌جانبه روستایی تأثیری شگرف در جبران فقر روستایی خواهد داشت. اثرات دلسرد کننده صنعتی‌شدن مبتنی بر منطق لوئیس - در جهت رخنه به پایین مزایای صنعتی شدن به سمت روستائیان فقیر - بیش از گذشته اتخاذ راهبردهای جهت‌دار به سوی روستائیان را مورد توجه قرار داده است. در این بین گروهی از محققان توسعه روستایی، صنعتی شدن روستا را به‌عنوان سنگ بنای استراتژی توسعه آینده مورد بحث قرار داده‌اند.

مرکز توسعه منطقه‌ای مل متحد (UNCRD)^۱ در تعریف صنایع روستایی گفته است: تمام صناعی که می‌توانند در مراکز روستایی و روستا- شهری توسعه یابند می‌بایست به‌عنوان عناصر صنایع روستایی محسوب شوند به شرط آن‌که بتوانند وسیله‌ای برای صنعتی شدن روستا باشند. (میسرا، ۱۳۶۸: ۸۹). یا در تعریفی دیگر از صنایع روستایی آمده است: صنایع روستایی عبارتست از صنایع

صنعتی سازی روستا: در این دیدگاه مسئله صنعتی سازی روستا هم یک فرایند فرعی و هم وسیله ای برای متنوع کردن و نوسازی اقتصادی روستایی تلقی می شود. انعطاف پذیری راهبردهایی که براساس نیازهای توسعه جهت داده می شوند نشانه های بارز این دیدگاه هستند. (میسرا، ۱۳۶۸: ۱۵)

نظریه صنعتی شدن روستا به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار، ایجاد فرصت های شغلی، تأمین نیازهای اساسی، کاهش مهاجرت های روستا-شهری و در نهایت کاهش نابرابری های منطقه ای به وجود آمد. تجربه گذشته نشان داده است که تلاش های مربوط به پیشبرد توسعه صنعتی با توفیق ناچیزی همراه بوده است. دولت هلند، برنامه عمران ملل متحد (UNDP)^۲، سازمان بین المللی کار (ILO)^۳، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)^۴، به منظور تشخیص امکانات و مشکلات واحدهای صنعتی روستایی و استقرار مؤثرترین ابزارهای ارتقای توسعه آن، یک ارزشیابی موضوعی در این واحدها به عمل آوردند چرا که بافت روستایی از دو جهت حائز اهمیت بیشتری بود: ۱- صنایع کوچک روستایی به تسهیلات مستقر در شهرها وابستگی کمتری دارند که البته همین تسهیلات برای توسعه صنایع بزرگ بدون اغراق رگ حیاتی به شمار می آیند. ۲- توسعه صنایع در نواحی روستایی می تواند به توقف جریان مهاجرت به نواحی شهری که از پیش دچار تراکم جمعیت بوده اند کمک کند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۷: ۴-۲). از سوی دیگر اهمیت فعالیت های غیرزراعی در این است که به نیروی کار مازاد اجازه می دهد تا "کشاورزی را رها کنند بی آنکه روستاها را ترک کنند" چرا که زراعت به تنهایی نمی تواند برای توده های روستایی، اشتغال و درآمد مکفی ایجاد کند. در کنار این، اشتغال و فعالیت های درآمدزا باید به عنوان فعالیت های غیر زراعی تلقی شوند

که در حکم مکملی برای زراعت هستند (DHV، ۱۳۷۱: ۱۲-۱۰).

با تبیین نظریه های مرتبط با صنعتی کردن مناطق روستایی، استنباط می شود که صنعتی شدن مناطق روستایی به معنای استقرار صنعت در تمامی مناطق روستایی نیست بلکه هدف از فرایند صنعتی شدن ایجاد قطب های صنعتی در مراکز منتخب روستایی است تا این مراکز بتوانند ضمن بهره برداری از منابع محلی، مکان مناسبی برای تحت پوشش قرار دادن مراکز روستایی پیرامون خود باشند. بدین منظور به نظر می رسد که مفهوم صنعتی شدن روستایی تا حدود زیادی می تواند مترادف با ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی باشد، طرفداران و حامیان مسیر صنعتی شدن مناطق روستایی در قالب نواحی صنعتی دو گروه زیر هستند:

الف: طرفداران محیط زیست به دلیل حداقل آلودگی نواحی صنعتی نسبت به محیط پیرامون.
ب: طرفداران سیاست های عدم تمرکز به دلیل پخش فضایی - مکانی واحدهای صنعتی.

در پهنه جغرافیایی کشور بنیان فکری ایجاد نواحی صنعتی روستایی توسط متولیان آن برای تحقق سه هدف عمده صورت پذیرفته است:
اهداف مرتبط با روستائیان: ایجاد فرصت های شغلی، افزایش درآمد، کاهش نرخ مهاجرت های روستایی، رونق فعالیت های کشاورزی، بهبود سطح زندگی و افزایش رفاه روستائیان.

اهداف مرتبط با کل کشور: توزیع عادلانه فعالیت های اقتصادی در سطح کشور در راستای سیاست های تمرکززدایی، توزیع متعادل جمعیت، حفظ محیط زیست از طریق پراکنش فعالیت های صنعتی، تأمین نیازهای صنعتی کشور.

اس.ک.رائو، جی.تی.شی، جی.آبراهام، کارل لیدهولم، اسکاپ، الکا پارخ، ریزوانول و ... اشاره کرد.

بدون تردید صنعتی شدن، یک تصمیم سرنوشت ساز در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان سوم است و ضرورتی غیر قابل انکار می باشد (حیدری، 1381: ۱۴۲) اثرات صنعتی شدن در همه بخش های اقتصادی احساس شده و باعث تحرک قسمت زیادی از منابع مالی در جهت توسعه اقتصادی می شود (کاسترو، 1365: ۱۲۵).

صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق پیشرفت های فنی و کاربرد آن در صنعت در طی سه قرن اخیر دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز بوده است. کشورهای توسعه یافته هر کدام با فاصله زمانی متفاوت به مرحله صنعتی شدن رسیده و پس از رسیدن به این مرحله خیزش بزرگ خود را در توسعه اقتصادی آغاز نموده اند (موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، 1378: ۶۲).

نایاک ضمن تحلیل روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه معتقد است که ارائه طرح های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها غالباً با شکست روبرو شده اند. از نظر وی تنها راه حل مشکل فقر و بیکاری مناطق روستایی، ایجاد فرصت های شغلی است و برنامه ریزی جهت استقرار صنعت در مناطق روستایی می تواند ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق سازد (Nayak, 1994: ۲۱۹). دیوید راجرز با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک ها و مناطق روستایی ایالت آیوا نشان می دهد که صنعتی شدن روستایی منافع وسیعی را برای اجتماعات مورد مطالعه در برداشته به طوری که سبب افزایش یکپارچگی خانوارها، افزایش درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها شده است (راجرز، 1978: ۲۵۰).

اهداف مرتبط با صنعت: افزایش تولیدات صنعتی، کاهش هزینه های تولیدی، پیوند بین صنایع کوچک و بزرگ از طریق زنجیره ای کردن تولید، بهره برداری مطلوب از منابع محلی مناطق روستایی مرتبط با فعالیت های صنعتی، پیوند بین صنعت و کشاورزی.

با توجه به اهداف ایجاد نواحی صنعتی روستایی می توان استنباط نمود که ایجاد نواحی صنعتی می تواند در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی مساعدت نماید. نواحی صنعتی روستایی می تواند تأثیر بسزایی در توسعه روستایی داشته باشند. زیرا آن ها قادرند ضمن ایجاد اشتغال، افزایش درآمد گروه های روستایی را موجب گردند تا نیازهای متعارف روستائیان برآورده گردد. با استفاده از منابع محلی به خصوص مواد اولیه کشاورزی، منجر به رونق کشاورزی گردیده تا پیوند بین بخش صنعت و کشاورزی تحقق یابد. از طریق افزایش درآمد گروه های کم درآمد روستایی و پراکنش متعادل جمعیت در حوزه های روستایی چنان که توماس ریردان تصریح دارد منجر به حداقل فشار جمعیت بر منابع شوند و در نهایت منجر به تقویت روحیه مشارکت و پایه گذاری صنعت خودکفا و مستقل گردند (طاهر خانی، ۱۳۷۸: ۹۹-۹۷).

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که فعالیت های صنعتی را مطابق با اصول جغرافیایی مدرن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند عمدتاً بعد از سال ۱۹۶۲ منتشر شده اند (قره نژاد، ۱۳۶۴: ۱۱). در این خصوص بیشتر صاحب نظران به اهمیت، پیامدها و عوامل موفقیت صنایع در توسعه روستایی پرداخته اند. از محققانی که طی دو دهه به بررسی پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی پرداخته اند می توان به جان.ام.پترسون، ال.وای.گودرای، دیوید راجرز، دوایت پرکینز، اچ.میشل، بی.ولد.سمت، سی.پی.وینگ، اس.بهلا،

در ایران نیز تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری در خصوص صنایع روستایی و نواحی صنعتی و شهرک‌های صنعتی و تأثیر آن‌ها بر نواحی روستایی و توسعه روستایی انجام شده است.

از جمله پژوهشی که مطیعی لنگرودی با نجفی کانی تحت عنوان «بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی نمونه موردی: شهرستان بابل» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که اکثر شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی اعم از الگوی مصرف (خوراک، پوشاک و کالاهای مصرفی بادوام)، وضعیت مسکن، بیمه، رضایتمندی و امنیت شغلی، میزان تحصیلات و آموزش‌های تخصصی، انگیزه ماندگاری روستائیان در جامعه نمونه (روستاهای دارا و فاقد صنایع) تفاوت معناداری را نشان داده است. لذا در راستای کاهش فقر روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی، تأمین حداقل خدمات عمومی و خودکفایی در جهت حصول به تولید و اشتغال پایدار، امنیت غذایی، عدالت و ثبات اجتماعی، زندگی مطمئن و مشارکت‌پذیر با اتکا به صنایع روستایی باید اهتمام ورزید (مطیعی لنگرودی و کانی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

طاهر خانی در پژوهشی دیگر تحت عنوان «بررسی نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی مطالعه موردی نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی» بیان نموده است که چون اکثر شاغلین نواحی صنعتی روستایی مورد مطالعه را ساکنین نواحی شهری تشکیل داده‌اند در ایجاد فرصت‌های اشتغال برای روستائیان موفقیت‌آمیز نبوده است. استفاده اندک از منابع محلی، عدم صدور کالاهای تولیدی و فقدان نظام آموزشی از دیگر مشکلات صنایع روستایی در این پژوهش است. هر چند بررسی شاخص‌های توسعه، شاغلین نواحی صنعتی و ساکن در مناطق روستایی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال، بیان‌گر

وجود تفاوت معنادار در الگوی مصرف مواد غذایی و استفاده از کالاهای مصرفی بادوام است. همچنین مالکیت خصوصی مسکن، بیمه و تأمین اجتماعی، مشارکت‌های روستایی و ضریب امنیت شغلی در دو دوره قبل و بعد از اشتغال از تفاوت معناداری برخوردار بوده است (طاهر خانی، ۱۳۸۰: ۳۳).

در مطالعه‌ای دیگر توسط پور احمد، طاهر خانی و باباخانی تحت عنوان «نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد» نشان داده شده است که هدف ناحیه صنعتی مذکور در ایجاد فرصت‌های شغلی برای روستائیان و کاهش مهاجرت به شهرها به دلایل مختلف موفق نبوده است. اما در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها از طریق مشارکت روستائیان در گسترش کارگاه‌ها، توسعه روحیه مشارکت خصوصاً مشارکت مالی و در قالب سهم آورده متقاضی برای سرمایه‌گذاری، در بین روستائیان اثر مثبت داشته و در ادامه عنوان شده است که برای حصول به نتیجه لازم موارد زیر بایستی در توسعه صنایع روستایی مورد توجه قرار گیرد:

- اشتغال روستائیان باید با توسعه فرصت‌های شغلی از طریق صنایع کوچک در روستاها توأم و همگام گردد.
- گسترش صنایع کوچک کارگاهی نیازمند مشارکت روستائیان در امور مالی روستاهای محل سکونت است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۶)

هدف، مواد و روش‌ها

هدف

هدف این مقاله شناخت نقش نواحی صنعتی در توسعه روستایی و دگرگونی‌های حاصل از آن در ساختار اقتصادی - اجتماعی منطقه در نتیجه احداث ناحیه صنعتی و پیامدهای مرتبط با آن می‌باشد و هدف

سوالات پرسشنامه‌ها براساس طیف لیکرت تنظیم گردیده و با استفاده از روش‌های آمار پارامتریک و غیرپارامتریک و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و نتایج این اطلاعات با اطلاعات روش توصیفی که از طریق مشاهده و مصاحبه‌ها به دست آمده، مقایسه شده و نتیجه گیری به هر دو صورت توصیفی و تحلیلی ارائه شده است (جدول شماره ۱).

معرفی منطقه، صنعت و صنایع ناحیه صنعتی مورد مطالعه

بخش کوهپایه واقع در شرق شهرستان اصفهان با وسعت ۴۰۰۰ کیلومتر مربع، دارای انواع مشاغل کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، خدماتی و اداری می‌باشد این بخش دارای دو ناحیه صنعتی مصوب (سگری و کوهپایه) و چندین نقطه صنعتی روستایی با بیش از یکصد کارخانه و کارگاه فعال می‌باشد که حدود سه هزار نفر کارگر در آن‌ها مشغول کار هستند. جمعیت بخش کوهپایه ۲۳۳۸۶ نفر برابر آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۸۵ می‌باشد و حدود ۸۵ درصد جمعیت روستایی و ۹۳ درصد از جمعیت شهری در این بخش باسواد هستند.

فعالیت‌های صنعتی دهستان جبل از قدیم شامل دو نوع صنایع دستی و صنایع کارگاهی بوده و در چند سال اخیر صنایع بزرگ و ناحیه صنعتی کوهپایه نیز به آن‌ها افزوده شده است. از صنایع دستی دهستان، صنایعی چون فرش بافی، عبا بافی، کیش بافی و تولید آجر و گچ را می‌توان نام برد به طور مثال در حال حاضر شرکت فرش دستباف کوهپایه دارای ۴۱۰۰ عضو با بیش از ۴۰۰۰ دار قالی می‌باشد و یا شرکت عبا بافان دارای ۶۰ عضو می‌باشد. از صنایع کارگاهی کوچک دهستان می‌توان به کارگاه‌های کوچک ریسندگی و بافندگی دهستان اشاره کرد که هر کدام بین ۳ تا ۷ نفر کارگر دارد. به طور کلی

کاربردی تحقیق بررسی نقش ناحیه صنعتی کوهپایه در توسعه اقتصادی و اجتماعی دهستان جبل می‌باشد.

روش تحقیق

برای رسیدن به هدف مطالعه با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به شناخت وضعیت موجود و تحلیل اطلاعات به دست آمده پرداخته شده است. در روش توصیفی با شیوه مصاحبه و مشاهده، مناطق روستایی جامعه هدف و ناحیه صنعتی، اطلاعات توصیفی، آمار، ارقام و تصاویر مرتبط جمع آوری گردیده، در ادامه برای سنجش روایی این اطلاعات، اطلاعات تکمیلی به صورت پیمایشی و با ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. در این پیمایش روستائیان مقیم در روستاهای دهستان جبل واقع در بخش کوهپایه شهرستان اصفهان جامعه آماری را تشکیل داده‌اند. در زمان پژوهش تعداد روستاهای دارای جمعیت دهستان ۱۳ روستا با ۴۴۰ خانوار و تعداد ۱۶۹۳ نفر جمعیت بوده که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۰۵ پرسشنامه به روش اختصاصی متناسب (متناسب با حجم جمعیت هر روستا) به صورت نمونه گیری تصادفی توزیع شده است.

نام روستا	جمعیت NN	نمونه nn
آبخارک	۵۲	۶
تینجان	۳۲	۴
چزه	۶۴۰	۷۷
دخرآباد	۳۳	۴
سهر	۱۱۱	۱۴
علون آباد	۲۰۲	۲۶
علی ابراهیم	۵۱	۶
کردآباد	۹۲	۱۰
کمال بیگ	۱۵۴	۱۸
کینچی	۷۳	۸
مزرعه بالا	۵۲	۶
میرجعفر	۱۰۶	۱۴
هریزه	۹۵	۱۲
جمع	N=۱۶۹۳	n=۲۰۵

ج ۱. تعداد روستاهای دهستان به تفکیک جمعیت و تعداد نمونه انتخاب شده. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

در خارج از ناحیه مصوب صنعتی دهستان، تعداد ۱۰ کارگاه یا شرکت صنعتی با ۱۱۰۶ نفر شاغل در حالت فعالیت می‌باشند. اما مطالعات مقدماتی و مکان‌یابی ناحیه صنعتی کوهپایه در سال ۱۳۷۱ آغاز و در سال ۱۳۷۳ تأسیس گردید. مساحت ناحیه صنعتی ۱۵۰ هکتار و تعداد قراردادهای منعقد شده تا بهمن‌ماه ۱۳۸۵ به ۱۰۲ قرارداد می‌رسید که تا زمان انجام مطالعه تعداد ۱۷ واحد مشغول به کار بوده است. در جدول شماره ۲، واحدهای بهره‌بردار فعال و تعداد کارکنان شاغل فعلی و نیروی مورد نیاز آینده هر یک نشان داده شده است.

ردیف	نام شرکت	تعداد شاغلین	مرد	زن	نیروی مورد نیاز آینده
۱	شرکت چینی اصفهان	۳۰۰	۱۰۰	۲۰۰	-
۲	شرکت تن ماهی شیدان	۱۴۰	۵۰	۹۰	۴۰
۳	شرکت ستوده شفق اصفهان (تن چینود)	۱۱۰	۳۰	۸۰	۲۰
۴	شرکت شیرینی خوش‌نوش سپاهان	۹۰	۳۰	۶۰	۱۵
۵	شرکت تعاونی تولید مهشاد سپاهان	۸۰	۲۰	۴۰	-
۶	شرکت تولیدی - صنعتی سپاهان سیکلت	۴۰	۳۵	۵	-
۷	شرکت بهارگوشت سپاهان	۳۷	۱۷	۲۰	۲۰
۸	شرکت باند و گاز استریل	۳۳	۲۰	۱۳	-
۹	شرکت گالوانیزه گرام اصفهان	۲۰	۲۰	-	-
۱۰	شرکت مبدل ساز اصفهان	۱۱	۱۱	-	۲۰

ج ۲. تعداد شرکت‌های بهره‌بردار و تعداد کارکنان شاغل به تفکیک. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

بنابراین شاغلین در ناحیه صنعتی بالغ بر ۸۶۱ نفر، و تعداد کل شاغلین بخش صنعت در بخش کوهپایه و دهستان جبل ۱۹۶۷ نفر می‌باشد. که این تعداد تا قبل از احداث ناحیه صنعتی ۱۱۰۶ نفر بوده است.

بحث و نتایج

احداث نواحی صنعتی در همجواری مناطق روستایی همواره دگرگونی‌های بسیاری چه به لحاظ اقتصادی-اجتماعی، کالبدی-فضایی و زیست محیطی به دنبال داشته است. از آنجا که روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده، در بخش توصیف با مشاهده میدانی، مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک مرتبط از خانه بهداشت، بخشداری، صاحبان صنایع، شورای روستا و روستائیان اطلاعات جمع‌آوری و نتایج توصیف می‌گردد و در بخش تحلیلی و برای آن‌که به صورت کمی نیز مشاهدات کیفی مورد سنجش قرار گیرد، پرسشنامه‌ای تدوین و توزیع شد. لذا در بخش‌های کشاورزی، دامداری، خدمات، اشتغال و درآمد و مهاجرت به صورت تفکیکی مطالعات توصیفی در ابتدا بیان می‌شود و سپس در قالب جدول سوالات مورد تحلیل کمی قرار می‌گیرد.

نتایج بخش توصیفی و کیفی

تحول در کشاورزی

احداث ناحیه صنعتی به‌طور مستقیم در کشاورزی منطقه تأثیر کمی داشته اما به‌طور غیرمستقیم فعالیت کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است. با احداث ناحیه صنعتی و مهاجرت نیروی جوان و فعال روستاها به ناحیه صنعتی و فعالیت در کارهای صنعتی، زمینهای کشاورزی به صورت بایر درآمده است. این مسئله بدین جهت است که فعالیت در کارهای صنعتی درآمد بیشتری را نصیب روستائیان می‌کند و آن‌ها انگیزه لازم را برای کشاورزی از دست داده‌اند و این باعث نابودی کشاورزی شده است. از سوی دیگر به دلیل کاهش نیروی جوان فعال بخش کشاورزی، می‌توان گفت ناحیه صنعتی در تغییر الگوی کشت در منطقه تأثیر داشته است. به‌طور مثال در قبل از احداث ناحیه صنعتی با توجه به وفور نیروی انسانی محصولاتی همچون پنبه، چغندر قند و محصولات

روستاها در بخش صنعت (که مهم‌ترین علت کاهش فعالیت دامداری محسوب می‌شود) این امر باعث کاهش فعالیت دامداری دهستان شده است به‌طوری که دام‌های دهستان در سال ۱۳۸۲ در حدود ۴۲۷۷ رأس و در سال ۱۳۹۰ کمتر از ۲۵۰۰ رأس بوده است که این امر از طرفی به دلیل ایجاد واحدهای صنعتی و اختصاص اراضی و مراتع دهستان جهت فعالیت صنعتی و از طرف دیگر اشتغال بیشتر جوانان و نیروی فعال روستا در فعالیت‌های صنعتی است. ضمن آن که فعالیت دامداری به تدریج از شیوه چرا در بیرون از روستا و در مراتع به فعالیت و نگهداری دام در داخل روستا محدود شده است. به‌طوری که با جذب روستائیان در فعالیت‌های صنعتی دیگر امکان نگهداری دام و پرورش آن از روستائیان سلب شده است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به اینکه اقتصاد دهستان بر پایه کشاورزی و دامداری بوده است ایجاد واحدهای صنعتی بیشترین تأثیر منفی را در دامداری منطقه داشته و این فعالیت به تدریج رو به نابودی است.

تحول در اشتغال و درآمد

شاید بتوان گفت که مؤثرترین تأثیر احداث ناحیه صنعتی کوهپایه در توسعه مناطق روستایی محدوده مورد مطالعه، فرصت‌های شغلی جدید ایجاد شده در بخش‌های صنعت و خدمات است که موجب جلوگیری از مهاجرت شدید به شهرهای بزرگ و کاهش نسبی بیکاری در منطقه شده است. با احداث ناحیه صنعتی و صنایع پیرامون آن در سال ۱۳۷۰ تا به حال، زمینه‌های اشتغال جمعیت زیادی در سطح دهستان ایجاد شده است که تا زمان حاضر علاوه بر افزایش جمعیت شاغل و افزایش فعالیت در فضا، ساختار فعالیت در دهستان نیز تغییر یافته است. به‌طوری که تا قبل از احداث صنایع، ساختار فعالیت بر پایه کشاورزی و دامداری و در مواردی صنایع دستی استوار بوده اما بعد از احداث ناحیه

جالیزی که به نیروی کار زیاد احتیاج داشت، کشت می‌شد ولی در حال حاضر با توجه به کاهش نیروی انسانی محصولاتی همچون نخود، لوبیا، عدس و گندم که به‌خصوص به روش مکانیکی کاشت و برداشت می‌شود، مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته آشکار شد که بیشتر خانوارهای روستایی تمایل دارند که فرزندان آن‌ها به جای آن‌که در مزرعه به کار کشاورزی بپردازند در واحدهای صنعتی مشغول به کار شوند. روستائیان بیان می‌کردند که کشاورزی با توجه به اینکه کار دشواری است اما مزد کمتری دارد و سود و مزد حاصله در ازای کار در واحدهای صنعتی بسیار بیشتر از کارهای کشاورزی است و در ضمن مسئله بیمه اشخاص نیز انگیزه کارهای صنعتی را دوچندان می‌کرد چون شاغلان در بخش کشاورزی از خدمات بیمه محروم می‌باشند ولی در کارهای صنعتی بیمه تضمین کننده آینده و سلامتی آن‌ها به حساب می‌آید. به‌طوری که بیشتر روستائیان حاضر می‌شوند فرزندان خود را به کار در ناحیه صنعتی بفرستند، حتی اگر به نابودی زمین کشاورزی و یا باغ آن‌ها بیانجامد.

تحول در دامداری

به دلیل کوهستانی بودن دهستان مذکور، در قسمت‌های شمالی فعالیت‌های دامداری از رونق خوبی برخوردار بوده و مراتع طبیعی مناسب مکان خوبی را برای فعالیت دامداری فراهم کرده است. اما در سال‌های اخیر با توجه به احداث ناحیه صنعتی و فعالیت‌های صنعتی پراکنده دیگر در مراتع منطقه، کاهش فعالیت دامداری را در پی داشته است. به‌طور مثال تعداد دام‌های دهستان در سال‌های ۶۵ و ۷۵ به ترتیب در حدود ۹۹۴۶ و ۷۸۲۱ رأس بوده است اما با احداث ناحیه صنعتی و کاهش مراتع منطقه از یک طرف و از طرف دیگر جذب نیروی فعال

صنعتی از رونق فعالیت‌های کشاورزی و دامداری کاسته شده است در حالی که بخش صنعت که بسیار محدود بوده در حال حاضر و با احداث ناحیه صنعتی بیشترین تعداد شاغلین در دهستان را دارا می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان گفت: در مصاحبه با مدیران واحدهای صنعتی و همچنین تعدادی از کارگران آشکار شد که بیش از ۶۰ درصد از شاغلین در صنعت قبلاً دارای فعالیت کشاورزی و یا دامداری بوده‌اند که اکنون یا کشاورزی را رها کرده‌اند و یا به صورت خیلی محدود در کنار کار صنعتی به آن می‌پردازند.

تحول در مهاجرت

مهاجرت عامل تعدیل جمعیت در فضاهای جغرافیایی است و به طور آرام جهت انتقال نیروی کار مازاد نواحی به سمت مناطقی که به جمعیت نیاز دارد عمل می‌نماید. این حرکت سبب بهبود وضعیت آن نواحی که با فشار جمعیت و کمبود منابع تولیدی روبه‌رو هست، می‌شود و استقرار مناسب جمعیت را سبب می‌گردد. بنابراین مهاجرت دال بر پویایی جمعیت و حرکت نسبی آن است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۲۳).

در سال‌های قبل از احداث ناحیه صنعتی مهاجرت عمدتاً به خارج از دهستان و شهر اصفهان و تهران صورت می‌گرفت اما با احداث ناحیه صنعتی در سال ۱۳۷۳، مهاجرت ادامه و حتی شدت یافت ولی ماهیت مهاجرت به گونه‌ای بود که از نواحی روستایی دورتر به روستاهای نزدیک ناحیه صنعتی و یا شهر کوهپایه انجام می‌گرفت و مهاجرت به خارج از دهستان کاهش یافته است. با شروع عملیات ساختمانی واحدهای صنعتی، مهاجرت شدید نیروی جوان غیرماهر جویای کار، به طرف ناحیه صنعتی افزایش یافت. این افراد که از روستاهای شمالی دهستان به روستای جزه یا شهر کوهپایه آمده و در عملیات ساختمانی شروع به کار نموده،

بسیاری از آن‌ها با بهبود وضعیت مالی و یا استخدام در واحد تولیدی در شهر کوهپایه سکنی گزیدند و به روستای خود بازنگشته‌اند. به طوری که طی این سال‌ها جمعیت شهر کوهپایه نزدیک به دوبرابر شده است. شهر کوهپایه در سال ۱۳۷۵، ۳۶۵۳ نفر جمعیت داشته این جمعیت در سال ۸۲ بالغ بر ۵۶۵۰ نفر و در سال ۱۳۸۴ بیش از ۶ هزار نفر و در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۸ هزار نفر گزارش شده است که عمده آن‌ها مهاجرین روستاهای دور و نزدیک می‌باشند.

با توجه به تحقیقات میدانی و مصاحبه‌ها آشکار شد عمده‌ترین انگیزه مهاجرین، دستیابی به شغل و درآمد مناسب در واحدهای صنعتی ناحیه صنعتی می‌باشد. بر همین اساس ناحیه صنعتی در مراحل ساختمان‌سازی و بهره‌برداری به عنوان کانون فعالیت و همچنین نیاز صنعت به نیروی کار ارزان، پذیرای مهاجرین از روستاهای دور و نزدیک بوده است که تعداد زیادی از این مهاجرین در شهر کوهپایه و به نسبت کمتری در روستای جزه و دیگر روستاهای نزدیک ناحیه صنعتی سکنی گزیده‌اند. به طور کلی می‌توان عمده‌ترین عوامل مهاجرت در دهستان جبل را عوامل زیر ذکر نمود:

- ۱- کمبود عوامل تولید، اشتغال و درآمد در نواحی روستایی
- ۲- کمبود امکانات رفاهی و خدماتی ۳- فقدان امکانات تحصیلی، به ویژه نبود امکانات آموزشی چون مدارس راهنمایی و دبیرستان در نواحی شمالی دهستان جبل. اگر روند مهاجرت سال‌های اخیر در دهستان ادامه یابد و برنامه‌ریزی برای توسعه روستاها صورت نگیرد در سال‌های آینده شاهد خالی شدن بیشتر روستاهای شمالی از جمعیت خواهیم بود، به طوری که در حدود ۴۰ مزرعه و ۱۳ روستا در حال حاضر خالی از سکنه می‌باشد و جمعیت روستاهای دیگر نیز سال به سال در حال کاهش می‌باشد. همان مزارع و روستاهایی که در سال‌های

تحولات فرهنگی

با احداث ناحیه صنعتی در دهستان جبل و رفت و آمد زیاد افراد مختلف از شهرهای بزرگ و کوچک به دهستان، تأثیراتی نیز در فرهنگ منطقه به وجود آمده است. به طور مثال کارگران روستایی در ابتدای فعالیت خود در ناحیه صنعتی، در صحبت کردن با سرکارگر و یا حتی مدیریت واحد دچار مشکل می شدند ولی با گذشت زمان و پس از مدتی کار در ناحیه صنعتی و شرکت در فعالیت های جمعی، واجد رفتارهای اجتماعی مناسب تر و بهتر می شوند. به طوری که همین افراد بعدها در زمره افرادی می شوند که به صورت فعال در شوراهای روستا شرکت می کنند و یا در ساماندهی وضعیت روستائیان و بهبود وضع روستای خود مشارکت می کنند. زیرا با شرکت در کارهای اجتماعی ناحیه صنعتی و آشنایی با فعالیت های دسته جمعی و سازمان یافته از رشد اجتماعی بیشتری نسبت به افراد ساکن در روستا برخوردارند و در روستا حرف اول را می زنند. از طرف دیگر کلاس هایی که واحدها برای کارکنان خود و یا فرزندان آنها می گذارد در بالا بردن سطح دانش و فرهنگ دهستان بسیار مؤثر است. به طور مثال در سطح روستاهای دهستان تا قبل از احداث و حتی تا سال ۱۳۸۰ در هیچ خانه ای کامپیوتر وجود نداشت اما در سال های اخیر در حدود ۱۵ دستگاه کامپیوتر در روستای جزه و روستاهای کمال بیک، میرجعفر و سهر هر کدام با ۵ دستگاه کامپیوتر رشد نشان می دهند.

تأثیر دیگر ناحیه صنعتی در تغییر پوشش محلی روستاها بوده است به طوری که لباس های محلی دهستان اکنون از اعتبار افتاده است. پوشش روستائیان همانند شهر کوهپایه و اصفهان شده است و کسی دیگر از لباس های محلی استفاده نمی کند. زبان روستائیان نیز که یک زبان محلی بود در حال نابودی می باشد و اکنون روستائیان با کودکان خود به زبان فارسی صحبت می کنند. افراد زیر ۵ سال روستاها

گذشته آباد بوده و زندگی و فعالیت در آنها جریان داشته است.

تحول در خدمات

ناحیه صنعتی کوهپایه در ارائه خدمات به مناطق روستایی بسیار ضعیف بوده است. به طوری که در بیشتر روستاهای دهستان از خدمات ارائه شده توسط ناحیه صنعتی و واحدهای تولیدی آن اظهار نارضایتی کرده اند. رابطه ناحیه صنعتی با روستاهای پیرامون به صورت اسکان کارکنان صنعتی در این نقاط و استخدام نیروی کار ساده در بخش واحدهای صنعتی است. بنابراین اگر به کارکرد ناحیه صنعتی از لحاظ خدمات نگریسته شود از دو منظر قابل بررسی است: نخست خدمات ارائه شده از سوی صنعت برای نواحی روستایی که از این منظر خدمات ارائه شده بسیار ضعیف بوده است. در مشاهدات و مصاحبه ها تنها در روستای سهر اظهار شد که از سوی واحدهای تولیدی - صنعتی در حدود ۱۵۰ روشنایی در کوچه های روستا نصب گردیده و کمکی نیز برای ایزوگام پشت بام مسجد روستا شده است اما دیگر روستاها از خدمات ارائه شده به روستاها اظهار نارضایتی می کردند. از دیدگاه دوم، احداث ناحیه صنعتی در دهستان فعالیت های خدماتی زیادی را ایجاد نموده است، خدماتی همچون خرده فروشی، تعمیرگاه، رستوران، هتل، آژانس مسافرتی و ... که این خدمات باعث اشتغال حدود ۱۵۰ نفر در دهستان شده است. از سوی دیگر واحدهای صنعتی ناحیه صنعتی برای کارکنان خود خدمات ویژه ای را قایل شده اند، خدماتی همچون وسایل ایاب و ذهاب، وام، بیمه، کمک هزینه، اهدای وسایل مصرفی بادوام و حتی در مواردی برای فرزندان کارکنان واحد صنعتی کلاس های کامپیوتر و زبان برگزار می کند که این خدمات تنها مختص کارکنان واحدهای صنعتی می باشد.

بیشتر فارسی صحبت می کنند ولی بزرگسالان هم اکنون در بیشتر اوقات با یکدیگر به زبان محلی خود صحبت می کنند ولی با کودکان خود فارسی صحبت می کنند تا در مدرسه دچار مشکل نشوند و با ادامه این روند در چند سال آینده زبان محلی آن ها از بین خواهد رفت.

نتایج تحلیلی و کمی (یافته های پرسشنامه ای)

جهت بررسی اثرات احداث ناحیه صنعتی و برای تأیید و صحت و سقم اطلاعات کیفی و توصیفی حاصل از مشاهده ها و مصاحبه ها و جهت کمی نمودن یافته ها، پرسشنامه ای براساس طیف لیکرت تنظیم، توزیع و مورد تحلیل قرار گرفت تا بدین وسیله از طریق علمی و آماری نیز بررسی صورت پذیرد و امکان تعمیم نتایج به کل جامعه فراهم گردد. بنابراین تحولات احداث ناحیه

صنعتی در زمینه های کشاورزی، دامداری، اشتغال و درآمد و مهاجرت مورد پرسش قرار گرفته و نتایج تحلیلی در زیر بیان می گردد.

تحول در کشاورزی

نتایج به دست آمده نشان می دهد که احداث ناحیه صنعتی در بخش کشاورزی بیش از هر چیز بر کاهش نیروی کار تأثیر گذاشته و منجر به کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی شده است. علاوه بر این احداث ناحیه صنعتی به ترتیب بیش ترین تأثیر را بر مؤلفه هایی چون تغییر کاربری اراضی، افزایش ارزش زمین و بورس بازی، آلودگی آب های کشاورزی، آلودگی اراضی کشاورزی، کاهش اراضی کشاورزی و کاهش آب های کشاورزی گذاشته است (جدول شماره ۳).

گوینه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین ارزش گوینه
احداث ناحیه صنعتی و کاهش آب های کشاورزی	۴۵	۶۸	۳۸	۳۰	۱۵	۲۰۵۰
احداث ناحیه صنعتی و کاهش اراضی کشاورزی	۳۱	۷۱	۴۵	۲۸	۲۱	۲۰۶۸
احداث ناحیه صنعتی و کاهش نیروی کار در بخش کشاورزی	۹	۲۸	۷۶	۵۳	۳۰	۳۰۳۴
احداث ناحیه صنعتی و افزایش ارزش زمین و بورس بازی	۱۸	۳۱	۶۸	۵۱	۲۸	۳۰۲۰
احداث ناحیه صنعتی و تغییر کاربری اراضی	۱۳	۳۸	۷۱	۴۲	۳۲	۳۰۲۱
احداث ناحیه صنعتی و آلودگی آب های کشاورزی	۱۶	۳۴	۶۹	۵۶	۱۸	۳۰۱۵
احداث ناحیه صنعتی و آلودگی اراضی کشاورزی	۱۵	۳۶	۶۹	۶۲	۱۴	۳۰۱۲

ج ۳. فراوانی گوینه های مرتبط با بخش کشاورزی و میانگین ارزشی گوینه ها. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

منطقه در حد متوسط و زیاد تأثیرگذار بوده و تنها ۳۸.۸ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که احداث ناحیه های صنعتی بر بخش کشاورزی تأثیر کمی دارد (جدول ۴).

بررسی شاخص تأثیر احداث ناحیه های صنعتی بر کشاورزی منطقه نشان می دهد که ۶۱ درصد از مردم منطقه معتقدند احداث ناحیه های صنعتی بر کشاورزی

تعداد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۵۹	۳۸.۸
متوسط	۶۵	۴۲.۸
زیاد	۲۸	۱۸.۴
کل	۱۵۲	۱۰۰.۰

ج ۴. فراوانی گوینه های در بخش کشاورزی. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

داشته است. جدول شماره ۶، فراوانی گویه‌های مرتبط با بخش دامداری و میانگین ارزشی گویه‌ها را نشان می‌دهد. بررسی شاخص‌های تأثیر احداث ناحیه‌های صنعتی بر دامداری منطقه نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد از مردم منطقه معتقدند احداث ناحیه صنعتی بر دامداری منطقه، در حد متوسط و زیاد تأثیرگذار بوده و تنها ۱۴.۴ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر بخش دامداری تأثیر کمی دارد (جدول ۷).

همچنین نتایج به‌دست آمده از آزمون کای اسکور نشان می‌دهد که نتایج به‌دست آمده از پژوهش در ارتباط با تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر بخش دامداری تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار ($\text{Sig}=0.000$) است. به عبارت دیگر احداث ناحیه صنعتی بر بخش دامداری تأثیر گذار بوده است (جدول شماره ۸).

نتایج به‌دست آمده از آزمون کای اسکور نشان می‌دهد که نتایج به‌دست آمده از پژوهش در ارتباط با تأثیر احداث ناحیه‌های صنعتی بر بخش کشاورزی تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار ($\text{Sig}=0.000$) است. به عبارت دیگر احداث ناحیه‌های صنعتی بر بخش کشاورزی تأثیرگذار بوده و فعالیت‌های بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داده است (جدول شماره ۵).

تحول در دامداری

در بخش دامداری نتایج به‌دست آمده نشان داد که احداث ناحیه صنعتی بر دامداری بیشتر از کشاورزی تأثیر گذاشته؛ به‌طوری‌که آلودگی‌های ایجاد شده توسط ناحیه صنعتی به‌شدت بر نابودی مراتع و کاهش دامداری تأثیر داشته و بالطبع با توجه به کاهش سرمایه‌گذاری در بخش دامداری، کاهش فعالیت‌های دامداری در دهستان را در پی

بخش کشاورزی	
Chi-Square	۱۵.۵۵۶
df	۲
Asymp. Sig.	۰.۰۰۰

ج ۵. خروجی آزمون در مورد بخش کشاورزی. منبع: محاسبه آماری داده‌ها.

گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین ارزش گویه
احداث ناحیه صنعتی و نابودی مراتع دامداری	۱۰	۳۳	۵۳	۶۱	۳۹	۳.۴۴
احداث ناحیه صنعتی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش دامداری	۱۳	۴۵	۵۵	۵۱	۳۲	۳.۲۲
احداث ناحیه صنعتی و افزایش آلودگی محیطی	۲	۱۷	۶۹	۶۹	۳۹	۳.۶۸
احداث ناحیه صنعتی و آلودگی مراتع و کاهش دامداری	۱۵	۳۶	۶۲	۶۷	۱۶	۳.۱۷

ج ۶. فراوانی گویه‌های مرتبط با بخش دامداری و میانگین ارزشی گویه‌ها. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

تعداد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمعی
کم	۲۶	۱۴.۵
متوسط	۷۲	۵۴.۷
زیاد	۸۱	۱۰۰.۰
کل	۱۷۹	۱۰۰.۰

ج ۷: فراوانی گویه‌های در بخش دامداری. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

دامداری	
Chi-Square	۲۹.۱۷۳
df	۲
Asymp. Sig.	۰.۰۰۰

ج ۸. خروجی آزمون در مورد بخش دامداری. منبع: محاسبه آماری داده‌ها.

تحول در اشتغال و درآمد

نتایج نشان می‌دهد که احداث ناحیه صنعتی بر اشتغال و درآمد منطقه بیش از موارد دیگر تأثیر داشته است؛ آنچنان‌که بیشترین ارزش به افزایش اشتغال و درآمد شاغلین تعلق گرفته است. بررسی شاخص‌ها و تعداد فراوانی‌ها حاکی از اعتقاد بیشتر پرسش‌شوندگان به تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر درآمد، اشتغال و امید به آینده شغلی بوده است (جدول شماره ۹).

گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین ارزش گویه
احداث ناحیه صنعتی و افزایش درآمد	۱۳	۲۷	۵۳	۷۵	۲۸	۳.۴۰
احداث ناحیه صنعتی و افزایش اشتغال	۵	۱۷	۵۸	۸۴	۳۲	۳.۶۲
احداث ناحیه صنعتی و امید به آینده شغلی	۱۹	۳۲	۷۲	۴۱	۳۲	۳.۱۸

ج ۹. فراوانی گویه‌های مرتبط با بعد اشتغال و درآمد و میانگین ارزشی گویه‌ها. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

نتایج تجمیعی نیز حاکی از آن است بیش از ۸۰ درصد تأثیر آن‌را زیاد و متوسط دانسته‌اند و تنها ۱۷ درصد به تأثیر کم آن معتقد بوده‌اند (جدول شماره ۱۰).

	تعداد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمیعی
کم	۳۰	۱۷.۰	۱۷.۰
متوسط	۹۳	۵۲.۸	۶۹.۹
زیاد	۵۳	۳۰.۱	۱۰۰.۰
کل	۱۷۶	۱۰۰.۰	

ج ۱۰. فراوانی گویه‌های در بعد اشتغال و درآمد. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

نتایج به‌دست آمده از آزمون کای اسکور نشان می‌دهد که نتایج به‌دست آمده از پژوهش در ارتباط با تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر اشتغال و درآمد تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار ($Sig=0.000$) است. به عبارت دیگر احداث ناحیه صنعتی بر اشتغال و درآمد تأثیرگذار بوده است (جدول شماره ۱۱).

اشتغال	
Chi-Square	۳۴.۶۴۸
df	۲
Asymp. Sig.	۰.۰۰۰

ج ۱۱. خروجی آزمون در مورد اشتغال. منبع: محاسبه آماری داده‌ها.

تحول در مهاجرت

نتایج به‌دست آمده در بعد مهاجرت نشان می‌دهد که احداث ناحیه صنعتی در کاهش مهاجرت‌های روستا-شهری تأثیر داشته است و با احداث ناحیه صنعتی و افزایش خدمات از ناحیه صنعت به دهستان این امر به کاهش مهاجرت‌ها کمک شایانی نموده است (جدول شماره ۱۲).

گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	میانگین ارزش گویه
احداث ناحیه صنعتی و کاهش مهاجرت روستا-شهری	۱۰	۱۶	۲۴	۶۸	۷۸	۳.۹۶
احداث ناحیه صنعتی و افزایش خدمات رفاهی	۲۸	۸۰	۵۳	۲۸	۷	۳.۵۲

ج ۱۲. فراوانی گویه‌های مرتبط با بعد تحول در مهاجرت و میانگین ارزشی گویه‌ها. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

در بررسی شاخص‌های تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر مهاجرت منطقه نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد از مردم دهستان معتقدند احداث ناحیه صنعتی بر مهاجرت منطقه، در حد متوسط و زیاد تأثیرگذار بوده و تنها ۲۴.۱ درصد از پاسخگویان اعتقاد دارند که احداث ناحیه صنعتی بر مهاجرت، تأثیر کمی دارد (جدول شماره ۱۳).

	تعداد فراوانی	درصد معتبر	درصد تجمیعی
کم	۴۶	۲۴.۱	۲۴.۱
متوسط	۶۸	۳۵.۶	۵۹.۷
زیاد	۷۷	۴۰.۳	۱۰۰.۰
کل	۱۹۱	۱۰۰.۰	

ج ۱۳. فراوانی گویه‌های در بعد تحول در مهاجرت. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

جریان تولید کارخانه دیگر به کار نمی افتد و بنابراین صرفه جویی های ناشی از مجاورت صنایع مرتبط عملاً وجود ندارد و بدون هیچ گونه ارتباط تولیدی در کنار هم قرار گرفته اند. از طرف دیگر مواد اولیه هیچ کدام از کارخانجات در دهستان یا حتی مناطق همجوار تولید نمی شود. به طور مثال دو کارخانه تن ماهی شیدان و چینود در شهرک مستقر است که ماهی آن ها از جنوب و یا از شمال کشور به محل حمل می شود و از طرف دیگر محصولات تولیدی نیز در محل به فروش نمی رسد و باید به تهران یا دیگر استان ها فرستاده شود. همچنین کارخانه بهارگوشت سپاهان که به تهیه کنسرو پای مرغ می پردازد، محصول خود را به چین صادر می کند که باید هزینه حمل و نقل زیادی را برای صادرات بپردازد.

اما از نظر دیگر احداث ناحیه صنعتی در دهستان جبل باعث افزایش اشتغال و درآمد در منطقه شده که پیامدهای مثبتی را در دهستان به وجود آورده است. به طور مثال از مهاجرت به خارج از دهستان کاسته شده و درآمد بهتر افراد منطقه وضعیت بهداشت، سواد و فرهنگ منطقه را بسیار مناسب تر از قبل کرده است. در مجموع از لحاظ اقتصادی ناحیه صنعتی در توسعه مناطق روستایی هم جوار خود موفق بوده است و توانسته در بهبود کیفیت زندگی روستائیان از یک طرف و بهبود اوضاع اقتصادی و عدم مهاجرت برون استانی از طرف دیگر، نقش مؤثری را ایفا کند.

از دیدگاه زیست محیطی: از دیدگاه زیست محیطی، آن ناحیه صنعتی موفق است که فعالیت های آن کم ترین میزان آلودگی های آب و هوا، سر و صدا و پیامد را برای محیط پیرامون خود ایجاد کرده باشد. از نظر عملکرد زیست محیطی، ناحیه صنعتی کوهپایه، فاقد سیستم تصفیه فاضلاب می باشد و فاضلاب های ناحیه صنعتی یا در بیابان های اطراف رها شده و یا در داخل با ایجاد حوضچه هایی به تصفیه آن ها پرداخته می شود که این

نتایج به دست آمده از آزمون کای اسکوئر نشان می دهد که نتایج به دست آمده از پژوهش در ارتباط با تأثیر احداث ناحیه صنعتی بر مهاجرت تصادفی نبوده و از نظر آماری معنادار ($Sig=0.018$) است. به عبارت دیگر احداث ناحیه صنعتی بر مهاجرت تأثیرگذار بوده است (جدول شماره ۱۴).

مهاجرت	
Chi-Square	۷.۹۹۰
df	۲
Asymp. Sig.	۰.۰۱۸

ج ۱۴. خروجی آزمون در مورد مهاجرت.
منبع: محاسبه آماری داده ها.

سنجش موفقیت نواحی صنعتی

برای تعیین معیاری جهت تشخیص موفقیت نواحی صنعتی در هر منطقه می توان از ضوابط گوناگونی چون ضوابط اقتصادی، زیست محیطی یا کالبدی بهره جست. حال با توجه به معیارهای ذکر شده، ناحیه صنعتی کوهپایه مورد بررسی اجمالی از نظر این معیارها قرار می گیرد.

از دیدگاه اقتصادی: از دیدگاه اقتصادی، ناحیه صنعتی موفق، ناحیه ای است که بتواند نیازهای تولیدی واحدهای صنعتی مستقر در فضاهای طراحی شده خود را در ارتباط با یکدیگر و در رابطه با اقتصاد و بازار محلی و منطقه ای پاسخگو باشد و از نظر ایجاد اشتغال، افزایش تولید، دسترسی به بازار ملی و منطقه ای در حد ظرفیت های پیش بینی شده نیز به وضعیتی مطلوب دست یافته باشد. (اصغری، ۱۳۷۷: ۴۵)

از نظر عملکرد اقتصادی با توجه به تحقیقات میدانی، برخلاف مهم ترین اصل وجودی نواحی صنعتی، مجتمع کارخانه ها بدون پیش بینی لازم برای ایجاد ارتباط و پویایی تولیدی مابین آن ها، بنا نهاده شده است. هیچ یک از محصولات تولیدی ناحیه صنعتی به عنوان مواد اولیه در

مسئله باعث ایجاد آلودگی‌های در محیط شده و به‌ویژه حشرات موذی و پشه‌ها در محیط صنعتی بسیار زیاد شده است. دفع زباله‌ها هم به روش سوزاندن انجام می‌گیرد که این مسئله، بوی بدی را ایجاد می‌کند و از طرف دیگر دود حاصل از آتش زدن زباله‌ها آسایش و بهداشت روستائیان اطراف را به مخاطره افکنده است. از سوی دیگر مسئله حمل مواد اولیه به کارخانجات که در ساعات آخر شب و اوایل صبح و حمل کالاهای ساخته شده به شهرها که در بعدازظهر انجام می‌گیرد، سرو صدا و آلودگی صوتی را برای ساکنان روستاهای جزه و کمال بیگ و حتی خود ساکنین شهر کوهپایه ایجاد کرده است. به‌طور کلی ناحیه صنعتی کوهپایه از لحاظ کنترل آلودگی‌های زیست محیطی موفق نبوده است.

در جدول ۱۵ پاسخ‌های ارائه شده در خصوص آلودگی‌های ناشی از ناحیه صنعتی و تأثیر آن در کشاورزی و دامداری و محیط طبیعی دهستان نشان داده شده است.

نوع آلودگی	آلودگی هوا	درصد	آلودگی صوتی	درصد	آلودگی به آب	درصد	آلودگی اراضی و منابع	درصد	درصد
پاسخ دهندگان	۹۵	۵۲/۷	۴۵	۲۵	۱۷	۹/۴۴	۲۳	۱۲/۷	

ج ۱۵. پاسخ‌های ارائه شده در خصوص آلودگی‌های ناحیه صنعتی و درصد آن. منبع: بررسی محلی، ۱۳۹۰.

از دیدگاه کالبدی: از دیدگاه کالبدی، آن ناحیه صنعتی، موفق است که موجب نظم کالبدی فضای پیرامونی به‌ویژه از نظر کاربری‌ها و اندازه‌های مناسب فضا برای تولید کالاهای مورد نظر شده باشد. در شهرک صنعتی

کوهپایه، صنایع بدون یک برنامه از پیش تعیین شده و به‌صورت پراکنده جمع شده‌اند و برای جداکردن صنایع آلوده‌کننده از سایرین تفکیکی صورت نگرفته است، به‌طور کلی اکثر واحدهای تولیدی از همجواری همسایگان خود در مورد آلودگی‌ها شکایت دارند که یکی از این موارد همجواری مواد خوراکی، کیک و کلوچه با شرکت بهار گوشت سپاهان و تن ماهی چینود می‌باشد. به اعتقاد صاحب‌نظران، ایجاد نواحی صنعتی هر گونه واحد تولیدی یا عمرانی جدید، بهتر است در چارچوب یک طرح جامع کشوری و با در نظر گرفتن مقضیات جغرافیایی، انسانی و سایر جوانب باشد، تا اولاً همه نقاط کشور از مواهب توسعه متناسب بهره‌مند شوند و این گونه نباشد که یک استان به تنهایی به اندازه چند استان دیگر واحد صنعتی و تولیدی داشته باشد و ثانیاً با توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات، از سیل مهاجرت‌ها به سوی تهران و دیگر مراکز استان‌ها جلوگیری شود تا مقدمات عدالت اجتماعی فراهم آید.

نتیجه

با توجه به وضعیت کنونی نواحی صنعتی و مطالعه ناحیه صنعتی کوهپایه در دهستان جبل و بررسی آثار و نتایج آن در توسعه مناطق روستایی دهستان، به‌طور کلی نتایج زیر به‌دست آمده است:

- ایجاد ناحیه صنعتی در دهستان دارای جهت‌گیری کشاورزی نبوده لذا تأثیر مهمی در پیوند بین کشاورزی و صنعت به وجود نیاورده است و سهم صنایع در توسعه و رشد کشاورزی بسیار اندک است.

- ایجاد ناحیه صنعتی و ایجاد فرصت‌های شغلی در قالب جذب نیروی کار روستایی، بدین صورت بوده است که اشتغال روستایی از طریق ناحیه صنعتی به‌عنوان جانشین کشاورزی عمل نموده و نه بخش مکمل

۱. راه اندازی سیستم فاضلاب ناحیه صنعتی و دفع بهداشتی مواد زاید صنعتی.
۲. خدمات رسانی بهتر به نواحی روستایی از جمله امکانات آموزشی - بهداشتی و رفاهی در روستاها.
۳. بیمه محصولات کشاورزی و باغی روستائیان در جهت حفظ و توسعه کشاورزی باقی مانده روستاها.
۴. مساعدت در بازسازی و نوسازی واحدهای صنعتی با تکنولوژی های جدید و روز دنیا.
۵. تقویت و توسعه صنایع دستی روستایی به ویژه عبا بافی و قالی بافی برای زنان خانه دار.
۶. تشویق و ترغیب سرمایه گذاران از طریق پرداخت تسهیلات یارانه ای و فراهم نمودن امکانات زیربنایی در ناحیه صنعتی برای جذب صنایع دیگر.

پی نوشت

1. United Nations Centre for Regional Development(UNCRD)
2. United Nations Development Programme (UNDP)
3. International Labour Organization (ILO)
4. United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

فهرست منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۴)، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستائیان ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
- اصغری، سوسن. (۱۳۷۷)، سیاست احداث شهرک های صنعتی در ایران، مطالعه موردی شهر صنعتی رشت، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۲۵، تابستان ۷۷.
- پوراحمد، احمد، مهدی طاهر خانی و رحمان باباخانی. (۱۳۸۱)، نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت های روستایی، مطالعه موردی: ناحیه صنعتی لاسجرد، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۳، زمستان جهاد سازندگی.
- حیدری، ایوب. (۱۳۸۱)، توسعه و موانع توسعه در ایران، انتشارات گفتمان.

کشاورزی و یا دامداری منطقه، که به تضعیف کشاورزی و دامداری منطقه انجامیده است.

- اثرات احداث ناحیه صنعتی در دهستان بیشتر اقتصادی بوده و اثرات اجتماعی و فرهنگی آن کمتر بوده است.

- از مهم ترین پیامدهای ناحیه صنعتی در نواحی روستایی دهستان، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی، گسترش ابعاد مشارکت، افزایش اشتغال و درآمد، بهبود سطح بهداشت منطقه و دسترسی بهتر به امکانات آموزشی می باشد.

- شاغلین در ناحیه صنعتی و واحدهای تولیدی - صنعتی از امنیت شغلی بهتر و احساس رضایت بهتری از زندگی نسبت به شاغلین در بخش کشاورزی در روستاها، برخوردار می باشند.

- الگوی مهاجرت در منطقه مورد مطالعه در اثر احداث ناحیه صنعتی تغییر کرده و مهاجرت روستا به شهر جای خود را به رفت و آمدها و مهاجرت روزانه روستا به روستا داده است. این موضوع خود به ارتباطات و همبستگی اجتماعی بین جامعه روستایی کمک می کند.

با عنایت به موارد بالا می توان اذعان نمود که ناحیه صنعتی مذکور در رسیدن به اهداف خود نسبتاً موفق بوده و توانسته است در ایجاد اشتغال و درآمد پایدار برای روستائیان منطقه مؤثر واقع شود. هر چند این امر به کاهش کشاورزی و دامداری منطقه انجامیده است اما با عنایت به کوهستانی بودن دهستان و عدم گسترش زمین های کشاورزی در برابر افزایش طبیعی جمعیت دهستان، گزینه صنعتی شدن بهترین گزینه توسعه روستایی منطقه بوده است. هر چند صنعتی شدن خود دارای اثرات منفی نیز هست که این موضوع با کارشناسی و ارائه راهکارهایی قابل رفع می باشد، لذا جهت بهتر شدن وضعیت، موارد ذیل پیشنهاد می گردد:

- خادام آدم، نامه. (۱۳۷۲) سیاست توسعه عوامل و موانع پیشرفت اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- رحیمی، عباس. (۱۳۸۳)، تبیین ویژگی‌های صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و صنایع روستایی، تهران، وزارت جهاد کشاورزی.
- رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، مقدمه ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، تهران
- سعیدی، عباس. (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای روستایی، تهران انتشارات سمت.
- صیدایی، سید اسکندری و سمیه سادات حسینی. (۱۳۹۱)، دیدگاه‌ها و نظریات توسعه روستایی، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران.
- طالب، مهدی و دیگران. (۱۳۸۸)، اولویت‌های توسعه روستایی، تألیف، ام‌ال، داوان، انتشارات دانشگاه تهران، ترجمه طالب و دیگران.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۷۸)، نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی، مطالعه موردی نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی، رساله دکترا، به راهنمایی دکتر رکن الدین افتخاری، دانشگاه تربیت مدرس.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: نواحی صنعتی روستایی استان مرکزی، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۰، همراه.
- قره نژاد، حسن. (۱۳۶۴)، مقدمه‌ای بر جغرافیای صنعتی، انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- کاسترو، فیدل. (۱۳۶۵)، بحران اقتصادی و اجتماعی جهان، ترجمه غلام‌رضا نصیرزاده، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن. (۱۳۷۳)، جغرافیای اقتصادی ایران، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و علی اکبر نجفی کانی. (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی نمونه موردی: شهرستان بابل، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۸، زمستان.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن. (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی و اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی، مطالعه موردی شهرک صنعتی مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، تابستان.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن و علی اکبر نجفی کانی. (۱۳۹۰)، توسعه و صنعتی‌سازی روستایی نظریه‌ها و راهبردهای توسعه صنعتی، انتشارات دانشگاه تهران.
- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی. (۱۳۷۸)، تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری‌های صنعتی جهت تقویت مزیت‌های نسبی صادرات صنعتی، مجری طرح مسعود هاشمیان اصفهانی، مهرگان، نادر. (۱۳۷۰)، نقش صنایع روستایی در ایجاد اشتغال ماهنامه جهاد، سال یازدهم، شماره ۱۴۷.
- مهندسان مشاور هلند DHV، (۱۳۷۱) رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه فنایی و دیگران، سلسله انتشارات روستا و توسعه، وزارت جهاد سازندگی، شماره ۱۰.
- میسر، آر. پی. (۱۳۶۸)، مباحثی پیرامون توسعه روستایی، ترجمه پرستو میراب زاده، ماهنامه جهاد، شماره ۱۱۶.
- وزارت جهاد سازندگی. (۱۳۷۷)، طرح ملی سامان‌دهی فضاها و مراکز روستایی، معاونت عمران و صنایع روستایی و اداره کل بهسازی و مسکن روستایی.
- Moseley, m. j (1996 b); Baseline studies for local rural development programmers: towards a method by, planning and Research, 11, 19-36
- Nayak.U.S.(1994). Rural industrialization' M.D. publication, pvt.NewDelhi' India Rogers' david ' 1978 ' Industrialization in com Benefits and the Rural community' Rural Sociology.
- OECD (1996) Rural development policy. Paris: organization for economic, co- operation and development.
- Sarkar, K. Gautam (1995), Agriculture and Rural Transformation in India, Oxford University Press, Delhi
- SCOTT, J. and JOHNSON, T., (2006). "New Governance and the Changing Face of Rural America", in T. JOHNSON, D. OTTO, and S. DELLER (ed.) Community Policy Analysis Modelling, pp. 17-29,
- Singh Katar (1999), Rural Development: Principles Policies and Management, Sage Publications, New Delhi
- UNIDO (2004), 'Industrial Cluster and Poverty Reduction: Towards a methodology for Poverty and Social Impact Assessment of Cluster Development Initiatives'. Vienna